

## بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین المللی

سید محمد قاری سید فاطمی

چکیده:

مفهوم پناهندگی و تعریف پناهنده، از دیدگاه فقهی و در اسناد بین المللی متفاوتند. گرچه هم فقه و هم منابع بین المللی، حقوق را برای پناهنده به رسمیت شناخته‌اند.

در این مقاله کوشش شده است مفهوم پناهنده از دیدگاه فقه و اسناد بین المللی تبیین و تعریف شود.

همچنین حقوق پناهندگان در کشور پذیرنده از دیدگاه فقه و منابع بین المللی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

قرآن کریم:

«و اگر یکی از مشرکان به تو پناهنده شد، به او پناه بده تا سخن خدا را بشنود». توبه/6

ماده 12 اعلامیه حقوق بشر اسلامی

«هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتخاب و انتقال مکن برای اقامت در داخل و یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگر پناهنده شود و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود، با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد»

ماده 12 اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند».

به عنوان مقدمه

بررسی تطبیقی مسایل حقوقی، دریافتن راحل‌های جدید و بهره‌گیری از دیدگاه و تجربیات متقابل نظام‌های مختلف حقوقی، ارزشی انکارناپذیر دارد. بررسی تطبیقی مسایل فقهی با عمر کهن فقه شیعی قرین است. تدوین کتاب الخلاف توسط شیخ الطائفه نقطه عطفی در این زمینه است. بررسی تطبیقی مسایل فقهی توسط فقیه نام‌آور دهه‌های اخیر، مرحوم آیت الله العظمی بروجردی روحی دیگر در کالبد فقه شیعی دمید. و هم اکنون نیز حوزه فقهی شاگردان برجسته آن فقیه فرزانه به دلیل پی‌گیری آن متد موفق، برجستگی خاصی دارد.

با این وجود، بعلت ورود اندیشه‌های حقوقی غیر اسلامی در حوزه باورهای حقوقی کشورهای اسلامی، ضرورت بررسی تطبیقی مسایل فقهی با سایر نظام‌های مطرح (بویژه در قلمرو مسائل اجتماعی) به خوبی احساس می‌شود.

از جمله مباحث تطبیقی بررسی و مطابقه مسایل مربوط به حقوق و روابط بین الملل و تطبیق آن با راجل‌های ارائه شده در فقه می‌باشد.

نگارنده به این حقیقت اذعان دارد که تقارب در این زمینه بسیار مشکل است چرا که فضای حاکم بر فقه، و فضای حاکم بر منابع بین المللی معاصر کاملاً متفاوت است. با این وجود با اجتهاد و مطابقه می‌توان نقاط مشترك را یافت و به تفکیک موارد اختلاف پرداخت.

از جمله مسایلی که فقه نسبت به آن سخن رانده و حقوق بین الملل نیز از کنار آن نگذشته است، حقوق بیگانگان در کشور پذیرنده است. و از جمله بیگانگانی که ممکن است مورد ظلم و ستم قرار گرفته و از حقوق انسانی محروم بمانند، پناهندگان هستند. چرا این که خیل عظیم انسانی از حمایت سیاسی دولت متبوع خود بی بهره و در دولت پذیرنده نیز بیگانه‌اند.

امید است این حرکت ناچیز علمی زمینه‌ای باشد برای پی‌گیری عزیزان آشنا به فقه و مطلع از حقوق بین الملل.

#### 1- تعریف پناهنده

##### 1-1- در فقه امامیه

شیخ الطائفه در کتاب مبسوط در تعریف مستأمن (1) چنین آورده است:

«فأما المستأمن و المعاهد، فهما عبارتان عن معنى واحد و هو من دخل إلینا بأمان لا للبقاء و التأیید (2)». مستأمن و معاهد هر دو به يك معنى هستند و به کسی گفته می‌شود که به خاطر پناهندگانی به سرزمین اسلامی وارد شده است، نه برای اقامت دایمی.

در بحث شرایط عقد پناهندگی، به تجزیه و تحلیل بیشتر این تعریف و قیود آن خواهیم پرداخت.

##### 1-2- در منابع بین الملل

کنوانسیون 1915 ژنو تعریف جامع و فراگیری از پناهنده ارائه داده است (3).

در قسمتی از ماده مذکور پناهنده به شخصی اطلاق شده که:

به علت ترس موجّه از این که بعلل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد، خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دایمی خود به سر می‌برد، نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد (4).

این کنوانسیون افرادی را از شمول مقررات خود استثنا کرده است از جمله افرادی که:

الف - مرتکب جنایتی علیه صلح یا جنایت جنگی شده باشند. (طبق تعاریف مندرج در اسناد بین المللی که برای پیش بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم گردیده است).

ب - قبل از آن که در کشور پناه دهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شوند، در خارج از آن کشور مرتکب جنایت عمده‌ای که مشمول مجازات عمومی می‌باشند، شده باشند.

ج - مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است شده باشند.

### 3-1- تجزیه و تحلیل تعریف پناهنده

الف - گر چه هم از دید فقه و هم از نظر منابع بین المللی پناهنده، بیگانه‌ای است در کشور پذیرنده، لیکن یک نکته اساسی بین پناهنده از دید فقهی و پناهنده از دید منابع بین الملل وجود دارد.

پناهنده به کشور اسلامی، با درخواست پناهندگی خود، از کشور اسلامی طلب امان می‌کند و در حقیقت نگرانی عمده او از خود دارالاسلام است نه این که در وطن خود دچار مشکلی باشد؛ و حال آن که پناهندگان مورد نظر در حقوق بین المللی معمولاً از کشور و محل سکونت عادی به خاطر ترس از تعقیب و برای نجات جان، مال و آزادی خود به کشور دیگری پناهنده می‌شوند(5).

ب - عنصر اساسی در مسأله پناهندگی در تعریف کنوانسیون، مسأله «ترس موجه از تعقیب و آزار» است.

ترس مفهومی ذهنی و نسبی است، بنابراین تشخیص دقیق و همه جانبه آن با توجه به اوضاع و احوال پناهنده و کشور محل سکونت دایمی وی، مورد ارزیابی و دقت قرار می‌گیرد.

ج - عنصر اساسی در پناهندگی مورد نظر فقه، اختلاف دینی و در واقع «شرك» است. مشرکین به علت ترس از تعقیب و مجازات به خاطر عقیده، از دارالاسلام تقاضای پناهندگی کرده تا با حفظ اعتقادات و آداب و رسوم خود و البته با رعایت شرایطی خاص، از حمایت دولت اسلامی بهره‌مند گردند.

### 2- ماهیت حقوقی پناهندگی در فقه امامیه

فقهای امامیه بالاجماع پناهندگی را عقد دانسته‌اند، عقدی که برای انعقاد آن اهلیت طرف پذیرنده الزامی است.

در اصل تجویز پناهندگی، فقهاء به آیه شریفه:

«و ان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه.» (6) و نیز بعضی روایت وارده از اهل بیت استناد کرده‌اند(7).

آیه شریفه به نظر می‌رسد که دلالت بر تکلیف دولت اسلامی بر پذیرش پناهندگان و حق پناهنده برای پذیرفته شدن دارد. چرا که صراحتاً فرمان می‌دهد در صورت درخواست مشرک به او پناهندگی داده شود. لیکن با تأمل در سایر آیات و شأن نزول آیه، این برداشت منتفی می‌شود؛ چون که ذهنیت مسلمان در آن برهه از تاریخ اسلام این بوده است که به مشرک نمی‌توان پناه داد و آیات تحریض مسلمانان بر جهاد و قتال مشرکین نیز مؤید این ذهنیت است. نزول این آیه شریفه برای زدودن این ذهنیت بوده است، در واقع پس از آن همه تأکید بر عدم مصالحه و سازش با مشرکان و قتال با آنها، امر به پناه‌دادن آنها شده است.

بعضی از اصولیون در این گونه موارد، که پس از نهی یا توهم منع امری وارد شود، این امر را دلیل بر تکلیف الزامی نمی‌دانند. و اصطلاحاً می‌گویند؛ امر عقیب حظر دلالت بر وجوب ندارد(8).

به این نحو استدلال دو اشکال ممکن است وارد شود:

اول: آن که این مسأله اصولی در محل خود محل اختلاف علمای اصول است چه این که از دید بعضی علما امر وارد بعد از حظر همانند امر ابتدایی است. چنان که علامه حلی، همین دیدگاه را تقویت کرده و امر عقیب حظر را همانند امر ابتدایی می‌داند(9).

ثانیا: ذیل آیه شریفه حکمت و علت این حکم را بیان می‌کند و فلسفه پذیرش استجاره مشرکین را، شنیدن سخن خدا می‌داند(10).

حال با توجه به اطلاقات و عمومات وارده در سایر ابواب فقه مثل امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ دین، آیا می‌توان مشرکی را که برای شنیدن کلام خدا و اطلاع از جزئیات دین اسلام درخواست پناهندگی کرده، درخواستش را رد کنیم؟

بنابراین به نظر می‌رسد که پذیرش در خواست پناهنده تکلیفی بر دولت اسلامی باشد، بویژه اگر هدف پناهنده، استماع کلام خدا باشد.

با این وجود به نظر می‌رسد برای تحلیل دقیق‌تر ماهیت حقوقی پناهندگی، کلمات فقهاء و بعضی روایات وارده درباره پناهندگی را ذکر کنیم تا پس از آن به نتیجه‌گیری دقیق و مشخص دست یابیم. ابن براج امان را جایز می‌داند و برای جواز آن به آیه شریفه استجاره و به عملکرد پیامبر(ص) استناد می‌کند که در سال حدیبیه هنگام پناه دادن ام‌هانی به بعضی مشرکین آن را امضاء فرمود. سپس با پرداختن به شرایط آن، تصریح به عقد بودن آن می‌کند(11). ایشان در هیچ جا اشاره‌ای به تکلیف بودن پذیرش درخواست پناهندگی ندارد. شیخ طوسی در کتاب مبسوط نیز دیدگاه‌های مشابهی عرضه داشته و کلامی که دلالت بر تکلیف دارالاسلام بر پذیرش درخواست پناهنده داشته باشد، نیاورده است(12).

علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام تصریح به عقد بودن امان داشته، شرایط و خصوصیات طرفین عقد و ... را بر می‌شمارد و هیچ کجا اشاره‌ای به تکلیف بودن پذیرش آن ندارد(13).

محقق حلی در شرایط پناهندگی را عقد دانسته و هیچ اشاره‌ای به تکلیف بودن آن ندارد.

مرحوم شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهر، دیدگاه ماتن را تقویت و با ذکر ادله عقد بودن آن را تصریح می‌نماید(14).

به هر حال با بررسی کتاب‌های مشهور فقه شیعه، می‌توان به این نظر قطعی رسید که فقها، پناهندگی را عقد دانسته و آیه شریفه استجاره را دلیل بر جواز ذکر کرده‌اند. و هیچ اشاره‌ای به تکلیف بودن پذیرش درخواست پناهنده ندارند.

به نظر می‌رسد بتوان با حفظ این نظر - یعنی قول به عقد بودن پناهندگی - به نحوی دولت را مکلف به پذیرش درخواست پناهندگی دانست. بدین نحو که اصل پناهندگی را عقد بدانیم، لیکن عقدی که در صورت درخواست پناهنده، دولت نتواند درخواست وی را نپذیرد.

ممکن است این اشکال مطرح شود: وقتی طرفی مکلف به پذیرش باشد، قول به عقد بودن آن لغو است، زیرا از خصوصیات عمده عقد، اختیار طرفین بر انعقاد یا عدم انعقاد آن است. و اگر این فایده منتفی شود، چه ثمره‌ای بر عقد بودن پناهندگی مترتب است؟

در جواب خواهیم گفت: ثمره اصلی آن، امکان درج شرایط ضمن عقد است؛ یعنی دولت مکلف است درخواست پناهندگی را بپذیرد و لیکن می‌تواند ضمن عقد، شرایطی را که متناسب با مصلحت و صلاح کشور اسلامی است درج نماید. و بر این فایده فقهای بزرگ شیعه تصریح کرده‌اند (15).

### 3- انواع پناهندگی در فقه

3-1- در فقه امامیه همانگونه که امام و حاکم حق پناه دادن به غیر مسلمانان را دارد، همه افراد مسلمان نیز چنین حقی را دارند. (16) بنابراین پناهندگی را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

#### 3-1-1- رسمی:

پناهی که حاکم مسلمین به فرد و یا گروه‌هایی از غیر مسلمانان می‌دهد.

#### 3-1-2- غیر رسمی:

پناهی که فرد مسلمان به غیر مسلمان می‌دهد.

البته فرد مسلمان نمی‌تواند به تعداد زیادی از غیر مسلمانان و یا شهری از آنان و یا اصولاً پناهندگی به نحو عام اعلام نماید. (17) گرچه بعضی از فقها در این نظر خدشه داشته، برای فرد مسلمان نیز حق پناه دادن به تعداد زیادی را قایل‌اند.

### 3-2- تقسیم بندی دیگر

مؤلف کتاب، احکام الذمیین و المستأمنین فی دارالاسلام تقسیم‌بندی نسبتاً جامعی از انواع پناهندگی نموده که به نظر می‌رسد می‌توان آن را با فقه امامیه نیز سازگار دانست (18).

#### 3-2-1- امان موقت خاص:

امانی است که به یک غیر مسلمان حربی یا ده نفر و یا یک قافله داده می‌شود و هر مسلمان حق دادن چنین امانی را دارد (19).

#### 3-2-2- امان موقت عام:

امانی است که امام مسلمین به تمام غیر مسلمانان حربی و یا تعداد نامعین از آنها می‌دهد.

#### 3-2-3- امان بالمواذعة

مواذعة، نوعی از امان موقت است با غیر مسلمانان برای ترك جنگ. و به آن معاهده و مسالمة و مهادنه نیز می‌گویند.

#### 3-2-4- امان بر اساس عرف و عادت:

#### 3-2-4-1- فرستادگان و سفرا:

فرستادگان غیر مسلمان به دارالاسلام بدون دریافت پناهندگی قبلی از طرف مسلمانان در امانند؛ چرا که فرستادگان در زمان جاهلیت در امان بودند و پیامبر اسلام(ص) نیز فرستادگان مشرکان را امان می‌داد.

#### 3-2-4-2- بازرگانان:

مذاهب مالکی و شافعی و حنبلی بازرگانان را به استناد عرف و عادت در امان می‌دانند.

#### 3-2-5- پناهندگی تبعی:

فرزندان کوچک نیز به تبع اولیاء خود در امان هستند(20).

#### 4- مدت پناهندگی

ظاهراً تمام فقهای شیعه به مدت‌دار بودن عقد پناهندگی نظر دارند. و آنچه مورد اختلاف است، مدت پناهندگی است که از چهار ماه تا 10 سال گفته‌اند(21).

البته باید توجه داشت قول به 10 سال که توسط شیخ طوسی در مبسوط اظهار گردید، با لحاظ عنصر مصلحت مسلمین بیان شده است.(22) اگر عنصر تعیین کننده مدت، مصلحت جامعه اسلامی باشد، به نظر می‌رسد این مدت با توجه به مصلحت قابل تمدید باشد.

#### 5- الفاظ عقد امان

از بررسی کتب فقهی به این نتیجه کلی می‌توان رسید که عقد امان با هر لفظ و حتی حرکت و اشاره‌ای که بیانگر پذیرش دارالاسلام باشد، منعقد می‌شود(23).

بنابراین می‌توان گفت دولت اسلامی با صدور اعلامیه‌های عمومی و یا حتی ملحق شدن به کنوانسیون‌ها و میثاق‌ها و پروتکل‌ها آنچه را که دلالت بر قبول امان دارد را اظهار کرده است.

#### 6- ماهیت حقوق پناهندگی

#### در منابع بین المللی

بی تردید بحثی از نوع آنچه در صفات پیش گذشت در ارتباط با منابع بین المللی مطرح نمی‌شود. آنچه در منابع بین المللی بایستی مورد بررسی قرار گیرد این است که: آیا پناهندگی حقی است برای افراد، که در شرایط خاص از آن استفاده کنند و از طرفی تکلیفی است برای کشور مورد تقاضای فرد، یا خیر؟

با بررسی مجموع منابع معتبر بین المللی می‌توان گفت که افراد در شرایط خاص که در معرض خطر و ترس باشند، حق خواهند داشت به کشورهای دیگر پناهنده شوند و کشورهای مورد تقاضای فرد، مکلف به پذیرش او هستند(24).

در مواد 31 و 32 و 33 کنوانسیون 1951 پناهندگان، نکاتی آمده است که از مجموع آن‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصل پذیرش پناهنده، حقی برای پناهنده و تکلیفی برای کشور مورد درخواست است.

ماده 31: پناهندگانی که بر خلاف قانون در کشور پناهنده به سر می‌برند:

1- دولت‌های متعاقد، پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی و آزادیشان به مفهوم ماده 1 در معرض تهدید بود. و بدون اجازه به سرزمین آن‌ها وارد شده یا در آنجا به سر می‌برند را به خاطر این که برخلاف قانون، وارد سرزمین آن‌ها شده‌اند یا در آن بسر می‌برند، مجازات نخواهند کرد؛ مشروط بر این که بلا درنگ خود را به مقامات مربوطه معرفی کرده، دلایل قانع‌کننده‌ای برای ورود یا حضور غیر قانونی خود ارائه دهند.

2- دول متعاقد نسبت به رفت و آمد این قبیل پناهندگان محدودیت‌هایی غیر از آنچه لازم باشد قایل نخواهند شد و محدودیت‌های مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناه دهنده تعیین نشده است یا اجازه ورود به کشور دیگری را تحصیل نکرده‌اند.

دول متعاقد به این قبیل پناهندگان فرصت مناسب داده و تسهیلات لازم را برای آنان فراهم خواهند ساخت تا اجازه ورود به سرزمین دولت دیگر را تحصیل نمایند؟

ماده 32 اخراج:

1- دول متعاقد، پناهنده‌ای را که به طور منظم در سرزمین آنان به سر می‌برند، اخراج نخواهند کرد؛ مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی:

2- اخراج چنین پناهنده‌ای فقط به موجب تصمیمی صورت خواهد گرفت که طبق موازین قانونی اتخاذ شده باشد. به پناهنده مزبور باید اجازه داده شود که برای رفع اتهام از خود مدارکی ارائه دهد.

3- دول متعاقد به چنین پناهنده‌ای فرصت مناسب خواهند داد تا در این مدت بتواند از طریق قانونی مجوز ورود به کشور دیگری را تحصیل کند. ...

ماده 33 منع اخراج یا اعاده:

1- «هیچ يك از دول متعاقد به هیچ وجه پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی به خصوص، یا دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.»

2- اما پناهنده‌ای که طبق دلایل کافی، وجودش برای امنیت کشوری که در آن به سر می‌برد، خطرناک بود. یا طبق رأی قطعی دادگاه محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی شده و مضر به حال جامعه کشور تشخیص داده شود، نمی‌توانند دعوی استفاده از مقررات مذکور در این ماده را بنمایند.

با تأمل در مجموع این مواد و با عنایت به مقدمه همین کنوانسیون که تصریح به بهره‌مندی آحاد بشر از آزادی‌های اساسی و حقوق اولیه دارد، می‌توان گفت: روح حاکم بر این کنوانسیون تأکید بر حق پناهندگی برای افراد در معرض خطر و ترس و تکلیف برای دولت‌های متعاقد بر پذیرش این گونه افراد است.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی در ماده 12 خود تصریح می‌کند که:

«هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتخاب و انتقال مکان برای اقامت در داخل و یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگر پناهنده شود و بر آن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود؛ با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.»

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در ماده 14 خود بیان می‌دارد که:

«هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند(25)».

علی‌رغم تأکیدات فوق به نظر نمی‌رسد تکلیف به پذیرش پناهندگان در کشور به صورت عرف بین المللی در آمده باشد؛ چرا که در موارد متعدد استنکاف کشورها از پذیرش پناهندگان دیده شده است. و سازمان‌های مدافع حقوق و یا سازمان ملل به استناد این مواد به تقبیح آن نپرداخته‌اند(26).

## 7- نتیجه و تطبیق

1- مفهوم پناهنده از دید منابع بین الملل و فقه امامیه کاملاً متفاوت است. پناهنده در اصطلاح حقوق کلاسیک امروزه، به خاطر ترس از خطری که در کشور محل اقامت خود متوجه اوست به کشورهای دیگری پناهنده می‌شود.

و حال آن که مستأمن در فقه، به خاطر ترس از خطراتی است که در دارالاسلام ممکن است متوجه او باشد.

2- پناهندگی از دید فقهی ماهیتی عقدی دارد و تنها در موردی که پناهنده به خاطر اطلاع از مسایل مذهبی اسلام تقاضای پناهندگی می‌کند، جنبه حق تکلیفی پیدا می‌کند. و حال آنکه پناهندگی در حقوق بین الملل جنبه حق و تکلیفی دارد؛ حقی برای پناهنده و تکلیفی برای کشور پذیرنده.

## 8- حقوق پناهنده

### 8-1- طرح موضوع

در مورد پناهنده در منابع بین الملل و فقه شیعی، از دو جنبه می‌توان حقوقی را ترسیم کرد.

الف - حقوقی که «بیگانگان مستقلاً و بدون آن که در معاهدات قیدی به نفع آن‌ها بشود و حتی بدون وجود شرط معامله متقابل، دارای آن بوده و دولت‌ها مجبور به رعایت آن هستند»(27) حقوق اساسی که در منابعی از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های مختلف بدون توجه به تابعیت و وضعیت خاص بشر در نظر گرفته شده، از این قبیل است.

در فقه نیز برای بیگانگان متعهد، حقوقی به نحو عام در نظر گرفته شده که بالطبع پناهندگان را نیز شامل می‌شود. و لذا بعضی از فقهاء بحث امان و بحث ذمه را يك جا و با احکامی مشترك مورد بررسی قرار داده‌اند(28).



ب - حقوقی که پناهندگان به طور خاص از آن برخوردار هستند. در منابع بین الملل، در این مورد کنوانسیون و پروتکل خاصی تدوین شده که در مباحث آتی به آن اشاره می‌شود. در فقه نیز از آن جا که امان را فقها عقد دانسته و درج شرایطی را در ضمن آن جایز دانسته‌اند، پناهنده می‌تواند به وسیله این شرایط از حقوقی بیشتر از حداقل برخوردار شود(29).

حال پس از این مقدمه کوتاه به بررسی حقوقی که می‌توان برای پناهنده چه در فقه شیعی و چه در منابع بین الملل در نظر گرفت، می‌پردازیم:

تذکر این نکته ضروری است که حق حیات، اولی‌ترین و اساسی‌ترین حقی است که برای انسان‌ها می‌توان تصور کرد. و سایر حقوق نیز منفرع بر این حق قابل ترسیم هستند.

ما در این نوشتار این حق اساسی را مفروغ عنه فرض کرده و به بررسی سایر حقوق می‌پردازیم.

## 8-2- حقوق پناهنده در کشور پذیرنده بر اساس فقه امامیه

### 8-2-1- تأمین اجتماعی

امروزه تأمین اجتماعی با دو مکانیسم در کشورهای مختلف جهان اعمال می‌شود:

الف - سیستم مشارکت:

در این سیستم افراد با پرداختن وجوهی به سازمان‌های مربوطه در دوران از کار افتادگی و یا بی‌کاری از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند. برای این مورد اکثر کشورهای در حال توسعه را می‌توان مثال آورد. در ایران نیز همین سیستم اعمال می‌شود. در این روش افراد با پرداختن درصدی از درآمد خود دوره‌های بازنشستگی، بی‌کاری و از کار افتادگی خویش را بیمه و از مزایای تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌شوند(30).

این سیستم باالاصالة افراد غیر شاغل را تحت پوشش ندارد و تحت پوشش قرار دادن مستمندان و از کار افتادگان، با اعمال سیاست‌ها و مکانیسم‌های دیگری در حد توان دولت صورت می‌گیرد. در واقع دولت خود را عملاً درگیر تأمین همه جانبه کلیه افراد مملکت نمی‌کند(31).

### ب - سیستم حداقل ملّی(32)

این سیستم پس از جنگ دوم جهانی از انگلستان شروع و به سایر کشورها سرایت کرد. در اساس این مکانیسم دولت خود را مکلف به تأمین حداقل زندگی برای کلیه اتباع خود می‌داند. و این حداقل را نه بر اساس پرداخته‌های قبلی افراد، بلکه از خزانه دولت تأمین می‌کند(33).

البته در این کشورها در مورد افراد شاغل و دارای درآمد، سیستم مشارکت نیز اعمال می‌شود؛ لیکن سیستم حداقل ملّی، نسبت به همه آن‌ها جاری است.

اسلام و تأمین اجتماعی

از بررسی مجموعه مقررات مالی و احکام مختلف اسلام چنین بر می‌آید که احکام آن به خوبی قابل انطباق با سیستم دوم می‌باشد.

بررسی احکام مربوط به خمس و زکات و موقوفات و مظالم و... همه نمایانگر پوشش دادن همه افراد جامعه است. امام (ع) در روایتی صحیح صریحاً بیت المال را مکلف به تأمین همگانی افراد دانسته‌اند (34).

تأمین اجتماعی حقی برای اتباع غیر مسلمان

با توجه به مقدمه کوتاهی که گذشت، مطلب را نسبت به اتباع غیر مسلمان پی می‌گیریم. از بررسی مجموعه احکام اسلام چنین بر می‌آید که نسبت به کلیه ساکنان کشور اسلامی از جمله پناهندگان رعایت حداقل معیشت ضروری است.

برای این نظر علاوه بر ادله عامه‌ای که امکانات معیشتی موجود در زمین را برای عموم مردم دانسته است، (35) و همچنین اشعار صحیحه زرارة و محمد بن مسلم، (36) به روایت خاصی که از امیرالمؤمنین (ع) در زمان حکومتشان اتفاق افتاده، می‌توان استناد کرد.

در روایتی چنین آمده است:

امیرالمؤمنین (ع) روزی پیرمردی را در حال تکدی مشاهده فرمود. از وضعیت او سؤال کردند، در پاسخ به حضرت گفتند که او مردی نصرانی است، حضرت با بیان این عبارت که تا توان داشت از او استفاده کرده. و حال که پیر شده رهایش کرده‌اید، زشتی این عمل را گوشزد می‌نمایند. آنگاه می‌فرمایند که او را از بیت المال تأمین کنید (37).

نظر به موافقت مفاد روایت با اصول و قواعد کلی فقهی و هماهنگی آن با احکام ذکر شده در کتاب الزکاة در مورد مستحقین دریافت زکات (38) و همچنین سیره عملیه حضرت رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین پی‌گیری سند روایت را به محل خود وامی‌گذاریم.

تقریب استدلال:

عنوان نصرانی در این مورد خصوصیتی ندارد و آنچه مورد توجه بوده، اصل پدیده شوم تکدی و برخوردار نبودن از حداقل امکانات معیشتی است چه این که حضرت (ع) فرمود من هذا؟ این مرد کیست، بلکه فرمود ما هذا؟ این چه پدیده زشتی است. و آنگاه برای ریشه کنی این قبیل موارد، دستور اداره او توسط بیت المال را می‌دهند. و به گفته بعضی از بزرگان:

غیر مسلمانان در سایه حکومت‌های اسلامی از آنچنان کرامت و آسایش اقتصادی و معیشتی و... برخوردار بودند که در هیچ یک از حکومت‌های غیر اسلامی برخوردار نبوده‌اند (39).

8-2-2- امنیت اجتماعی:

امنیت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین حقوقی است که افراد در زندگی اجتماعی به آن نیازمند هستند. همچنین از وظایف اصلی دولت‌ها، برقراری امنیت اجتماعی برای شهروندان است. در این زمینه دولت اسلامی خود را مکلف به تأمین امنیت اتباع مسلمان و غیر مسلمان خود می‌داند. و بهره مندی از این موهبت الهی را حق همه می‌شناسد. و در این زمینه تبعیض بین مسلمانان و غیر مسلمان، تبعه و غیر تبعه نمی‌بیند. (40) تا جایی که امیرالمؤمنین (ع) تعدی و پایمال شدن حتی یک زن غیر مسلمان تحت

حمایت دولت اسلامی را آن چنان ناراحت کننده توصیف می‌کند که اگر مرد مسلمانی از تأسف و ناراحتی بر این سلب امنیت بمیرد، کاری پسندیده کرده است و قابل ملامت نیست.

حضرت در خطبه‌ای فرمودند:

«به من خبر رسیده که یکی از لشکریان ایشان (معاویه) بر يك زن و يك زن كافرہ ذمیہ داخل شده و خلخال و دست‌بند و گردن‌بندها و گوشواره‌های او را می‌کند، و آن زن نمی‌توانسته از او ممانعت کند مگر آن که صدا به گریه و زاری بلند نموده و از خویشان خود کمک بطلبد. سپس مهاجمین با غنیمت بسیار بازگشته در صورتی که به يك نفر از آن‌ها زخمی نرسیده و خونی از آن‌ها ریخته نشد.

اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد بر او ملامت نیست بلکه نزد من هم به مردن سزاوار است(41)».

### 8-2-3- امنیت قضایی:

از جمله حقوق اتباع يك کشور بهره‌مندی از امنیت قضایی و مراجعه به دادگاه‌ها، برای احقاق حقوق خود است. اصولاً قوه قضائیه و دادگاه‌ها، پشتوانه اصلی حفظ نظم و ضامن بقای امنیت اجتماعی هستند. تصور امنیت اجتماعی مستحکم، بدون قوه قضائیه نیرومند در جوامع انسانی چندان واقع بینانه نیست. لذا این حق نیز از حقوق اساسی افراد در جوامع انسانی به شمار می‌رود.

دولت اسلامی چنان که برای اتباع خود حق مراجعه به دادگاه‌ها و احقاق حق از طریق آن‌ها را محفوظ داشته، برای غیر اتباع خود نیز این حق را مراعات می‌کند. تا جایی که حاکم کل مسلمین علی ابن ابیطالب(ع) بر علیه يك غیر تبعه کشورش نزد قاضی شهر شکایت می‌برد و ادعای مالکیت زره‌ای که در اختیار آن یهودی است می‌نماید. شریح که قاضی حکومت خود اوست، حکم، به نفع یهودی می‌دهد؛ چون که ادله حضرت را کافی نمی‌بیند. شهادت فرزندش به نفع پدر را نمی‌پذیرد و حضرت نیز تن به این حکم می‌دهد. و همین برخورد عادلانه حضرت امیرالمؤمنین(ع) باعث مسلمان شدن آن یهودی می‌گردد.(42) با این وجود يك نکته قابل توجه و بررسی است و آن این که:

فقهای عظام در تمام زمینه‌ها دادگاه‌های اسلامی را مکف به حمایت و رسیدگی به مسایل غیر مسلمانان نمی‌دانند؛ بلکه فقط در مواردی این محاکم را محق به رسیدگی و فصل دعاوی آنان دانسته‌اند.(43) حال این سؤال مطرح است که خودداری دادگاه‌ها و محاکم اسلامی از رسیدگی به دعاوی غیر مسلمان، به معنای عدم حمایت قضایی حکومت اسلامی از این گروه افراد است؟ و یا این که این حق را به آن‌ها داده است که خود اقدام به برپایی محاکم مبتنی بر موازین و حقوق خود نمایند و دستگاه‌های اجرایی حکومت اسلامی نیز از تصمیمات آن محاکم حمایت کنند؟ نگارنده بر این باور است که مکلف نبودن محاکم اسلامی از رسیدگی به دعاوی غیر مسلمانان، به معنای پذیرش حق داشتن محاکم اختصاصی به آن‌ها است. و در این مورد به برخی شواهد تاریخی و روایات استناد کرده و می‌توان استناد کرد. بحث تفصیلی در این باره خارج از حوصله این نوشتار است(44).

صرفنظر از این بحث از آن جا که پناهندگی و استیمنان عقد است و می‌توان ضمن آن شرایطی گنجانده شود، پذیرش اصول بین المللی حقوق پناهندگان توسط دولت اسلامی به معنای پذیرش شرایط ضمن عقد است، چنان که در مباحث آتی خواهد آمد. در اسناد بین المللی برای پناهنده حق مراجعه به دادگاه‌های

کشور پذیرنده را به رسمیت شناخته است. و چون این حق منافاتی با کتاب و سنت ندارد بنابراین پناهنده در حکومت اسلامی گرچه نه به مقتضای اصل عقد پناهندگی، ولی به مقتضای شرط ضمن عقد می‌تواند از آن برخوردار باشد.

#### 8-2-4- کسب و دانش

کسب و دانش از جمله حقوقی است که اسلام برای همه انسان‌ها به عنوان حقی مسلم در نظر داشته است. و حتی نسبت به مسلمانان در بعضی شرایط به عنوان تکلیف مطرح می‌کند.

آیات و روایاتی که تأکید بر طلب علم می‌کند، غالباً به صورت مطلق بوده و قید مسلمان و غیر مسلمان در آن ذکر نشده است. عملکرد و روش پیامبر در دوره حکومتش، و سایر حکومت‌های اسلامی نیز گواه این ادعا است. و به گفته بعضی از بزرگان «آزادی که در کسب دانش، غیر مسلمانان در سایه حکومت اسلامی داشتند، در حکومت‌های مسیحی و غیر مسیحی هرگز نداشته‌اند» (45).

#### 8-2-5- حرفه و صنعت

قوام جوامع انسانی تا حدود زیادی وابسته به حرف و صنایع رایج در آن جوامع است؛ تا جایی که فقهای شیعه در بعضی موارد فتوا به وجوب اشتغال و یادگیری آن را به مسلمانان داده‌اند.

نسبت به غیر اتباع کشور اسلامی، این حق با رعایت مقررات دولت اسلامی محفوظ است و تمامی مشاغلی که با قراردادهای منعقد بین کشور پذیرنده و پناهنده منافات نداشته باشد، آزادند. (46) سیره علمیه حکومت‌های اسلامی در برخورد با این حق و پذیرش آن می‌تواند دلیل این مدعا باشد، برای نمونه نامه‌ای که حضرت رسول (ص) به ابی الحارث بن علقمه اسقف نجران ارسال داشته‌اند، مؤید این مدعا است (47).

بسم الله الرحمن الرحيم

«از محمد پیامبر به اسقف ابی الحارث و اسقف‌های نجران و کاهنانشان و اتباع آن‌ها و رهبانانشان: هر چه در اختیار دارند، کم باشد یا زیاد از قبیل دیر و کلیسا و... و رهبانگیری و همسایگی خدا و پیامبرش برای خودشان بوده و نسبت به آن محق هستند.

نه هیچ اسقفی از شغل اسقفیش و نه راهبی از رهبانیش و نه کاهنی از کهاننش بر کنار نخواهد شد؛ و حقی از حقوقشان تغییر داده نخواهد شد... البته به شرط آن که ظلم و ستمی در کار نباشد».

با این تقریب که ذکر این موارد از باب نمونه است و کلیه مشاغل و حرف مشرور را شامل می‌شود. و به هر حال با بررسی روایات و سیره حکومت‌های اسلامی و عملکرد پیامبر (ص)، می‌توان به این نظر قطعی رسید که غیر اتباع هم مانند اتباع کشور اسلامی در مشاغل مشرور آزادی داشته و جز در مواردی که قرارداد امان و یا ذمه ذکر و استثناء شده، در سایر حرف مجاز و ذی حق هستند (48).

#### 8-2-6- مذهب (49)

آزادی مذهبی از جمله حقوقی است که پناهندگان از آن برخوردار هستند. شاید بهترین دلیل بر این مدعا، آیه شریفه‌ای است که اصل امان را تجویز می‌کند. چرا که به مقتضای آیه، مشرکین می‌توانند پناهنده

شوند. و این آیه، اعطای پناهندگی به آنها مقید به تغییر دین و مذهب ننموده است؛ بلکه پناهندگی را به عنوان عاملی برای شنیدن پیام توحید مطرح می‌کند(50).

در ارتباط با محدوده آزادی مذهب برای غیر اتباع و کیفیت آن، مباحث فراوانی وجود دارد که از ورود دقیق و جزئی در آن اجتناب می‌کنیم؛ چرا که خود می‌تواند موضوع مقاله مستقلی باشد. نامه حضرت رسول(ص) که در بحث قبلی آورده شد می‌تواند مؤیدی برای پذیرش آزادی نسبی مذهب باشد(51).

#### 8-2-7- مالکیت

حق مالکیت در مورد اراضی نیز برای اقلیت‌ها محفوظ است. و آنها می‌توانند از طریق معاهدات مشروع، زمین یا ساختمان و نظایر آن را به ملکیت خویش درآورند. اسلام بر اساس اصل احترام به مالکیت فردی، در مورد گروه‌های متعهد اجازه نمی‌دهد در ملک افراد کوچکترین تصرفی به عمل آید. و هر گونه تصرف در اموال ذمیان، بسته به رضایت و توافق قبلی می‌باشد. و در این باره اموال منقول و غیر منقول حکم یکسانی دارند(52).

#### 8-2-8- حق تردد در سرزمین‌های اسلامی

#### 8-2-9- حق انتخاب مسکن

از آن جا که زندگی عادی بشری در گرو پذیرفتن این گونه حقوق اساسی است، باید گفت فقه نیز این حقوق را برای پناهنده به رسمیت شناخته است.

شاید بهترین دلیل به پذیرش اصل این حقوق، تحدید و شرایطی است که فقها نسبت به آن بیان داشته‌اند. در ارتباط با تردد و انتخاب مسکن، فقها مناطقی را از شمول این حق استثناء کرده‌اند که می‌توان سه مورد برای آن ذکر کرد:

#### الف - منطقه حرم

فقهای شیعه ورود و سکونت در منطقه حرم را برای غیر مسلمان جایز نمی‌دانند(53).

این قانون، حتی سفرا و نمایندگان خارجی را نیز شامل می‌شود.

#### ب - مساجد مسلمین

شیخ طوسی در مبسوط منع غیر مسلمانان از ورود به مساجد مسلمانان را به مذهب فقهای شیعه نسبت می‌دهد.

ج - مناطقی که در قرارداد امان ذکر شده است. ممکن است در قرارداد به خاطر مصلحت خاصی که کشور پذیرنده احساس می‌کند، بیگانگان را از ورود و تردد و انتخاب مسکن در آن محروم و یا آن را مقید به مسکن گزیدن در منطقه خاصی کند. این اشتراط ضمن عقد، برای پناهنده تکلیف‌آور است.

به جز در موارد فوق به طور قطع می‌توان گفت: پناهنده از حق انتخاب مسکن و تردد در مناطق مختلف کشور اسلامی برخوردار است.

### 8-3- حقوق پناهنده در منابع و اسناد بین الملل

گرچه پناهندگی سابقه‌ای طولانی دارد، لیکن حقوق پناهندگان به شکل جدید آن در دهه‌های اخیر و از قرن بیستم مطرح شده است. برای ترسیم حقوق پناهندگان در حقوق بین الملل به صورت کلی صرف نظر از موارد خاص و منطقه‌ای، به منابع مختلف می‌توان استناد کرد. علاوه بر منابع بین الملل، حقوق داخلی کشورها و عرف بین المللی نیز می‌تواند منابعی برای ترسیم حقوق پناهنده باشد.

در این زمینه کنوانسیون 1951 ژنو اعلامیه‌ها و میثاق‌های عمومی مربوط به حقوق بشر، و همچنین عرف بین الملل رعایت حداقل استاندارد راجع به اتباع بیگانه، مورد مراجعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

#### 8-3-1- رعایت حداقل استاندارد (54)

امروزه رعایت حداقل به عنوان استاندارد بین الملل نسبت به حقوق بیگانگان، به صورت عرف بین المللی وجود دارد. گرچه رفتار با بیگانگان از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، لیکن می‌توان موارد ذیل را به عنوان حقوق عام و حداقل برای بیگانگان در نظر گرفت. وردروس (55) دانشمند اطریشی به گفته دکتر نصیری حداقل حقوق بیگانگان را این گونه خلاصه کرده است:

- 1- در حقوق خصوصی، آن اندازه که برای ادامه زندگی هر بیگانه در يك کشور لازم و ضروری است.
- 2- در حقوق مکتسبه وی که در سرزمین‌های دیگر برای او حاصل شده‌اند. 3- حقوقی که لازمه احترام به شخصیت فردی او می‌باشد. مانند آزادی شخصی، احترام مسکن، آزادی رفت و آمد. 4- حق مراجعه به دادگاه. 5- برخورداری از حمایت دولت محلّی. (56) موارد فوق اساسی‌ترین حقوق را به نحو کلی بیان داشته است. برای مستدل کردن مطالب فوق، مواد مختلف اعلامیه‌های حقوقی بشر و کنوانسیون ژنو 1951 و پروتکل ضمیمه آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

#### 8-3-2- اعلامیه جهانی حقوق بشر (57)

گرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر، مستقیماً در ارتباط با پناهندگان وضع نگردیده است، لیکن متضمن حقوقی است که برای همه انسان‌ها صرف نظر از تابعیت و تعلق آن‌ها به کشوری خاص تدوین گردیده است. چنان که در مقدمه آن آمده است که:

«مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دایماً در مد نظر داشته باشند. و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابند. و با تدابیر تدریجی ملّی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آن‌ها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایایی که در قلمرو آن‌ها می‌باشند. تأمین گردد (58)».

اساسی‌ترین حقوق پیش بینی شده در این اعلامیه:

1- حق زندگی و امنیت شخصی. (ماده يك)

2- منع بردگی و داد و ستد بردگان به هر نوع. (ماده دو)

- 3- حق برخورداری از رفتار موافق شئون بشری و منع شکنجه. (ماده سه)
  - 4- حق داشتن شخصیت حقوقی به عنوان يك انسان در مقابل قانون. (ماده شش)
  - 5- حق بهره‌مندی از عدم تبعیض در حمایت قانون. (ماده هفتم)
  - 6- حق مراجعه به محاکم ملی صالحه برای احقاق. (ماده هشتم)
  - 7- حق استقلال در زندگی خصوصی و امور خانوادگی در مقابل مداخله‌های خوسرانه. (ماده دوازدهم)
  - 8- حق عبور و مرور آزادانه و ترك کشور. (ماده 13)
  - 9- حق پناهندگی در سایر کشورها در مقابل تعقیب، شکنجه و آزار. (ماده 14)
  - 10- حق داشتن تابعیت. (ماده 15).
  - 11- حق تشکیل خانواده. (ماده 16)
  - 12- حق مالکیت. (ماده 17)
  - 13- حق داشتن مذهب و تغییر آن و انجام مراسم آن. (ماده 18)
  - 14- حق آزادی عقیده و بیان. (ماده 19)
  - 15- حق شرکت در اجتماعات مسالمت‌آمیز (ماده 20)
  - 16- حق بهره‌مندی از امنیت اجتماعی. (ماده 23)
  - 17- حق انتخاب حرفه و شغل. (ماده 23)
  - 18- حق تأمین اجتماعی و رفاهی. (ماده 24 و 25)
  - 19- حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری. (ماده 26-27)
- خلاصه‌ای از حقوق پیش بینی شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر که برای کلیه انسان‌ها، بدون توجه به ملیت آن‌ها در نظر گرفته شده است. البته نباید از نظر دور داشت که این اعلامیه، حقوقی را نیز برای اتباع يك کشور در نظر گرفته که قابل تسری به بیگانگان نیست؛ از قبیل تصدی بعضی مشاغل و شرکت در حاکمیت ملی.

### 3-3-8- میثاق‌های بین المللی.

1- میثاق حقوق مدنی و سیاسی(59).

2- میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی(60).

این دو میثاق حاوی حقوق اساسی بشر است و اصول و صورت بندی آن، همان است که در اعلامیه جهانی آمده است. منتها میثاق‌ها آن را با دقت و وضوح بیشتری مورد تحلیل قرار داده و در برخی موارد

نیز تغییرات کلی در آن به عمل آورده‌اند. با این ویژگی که در میثاق‌ها، رعایت حقوق مندرج در آن‌ها، برای دولت‌ها يك تکلیف حقوقی محسوب می‌شود؛ در صورتی که اعلامیه جهانی آن را يك تکلیف اخلاقی و معنوی تلقی می‌کند(61).

این میثاق نیز همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، مستقیماً به مسأله پناهندگی و حقوق پناهنده نپرداخته‌اند؛ لیکن حقوق اساسی انسان را بدون توجه به تابعیت و شرایط خاص ترسیم کرده است. و در نتیجه در ارتباط با حقوق پناهنده، به آن دو نیز می‌توان استناد کرد. بویژه آن که میثاق حقوق مدنی سیاسی صراحتاً در بند 2 ماده چنین مقرر می‌دارد که:

«هیچ گونه محدودیت یا انحراف از هر يك از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین کنوانسیون‌ها، آیین نامه‌ها یا عرف و عادت نزد هر دولت طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده باشد و یا نافذ و جاری است، به عذر این که این میثاق، حقوقی را به رسمیت نشناخته است، قابل قبول نخواهد بود.»

در نتیجه می‌توان گفت: از دید سازمان ملل متحد، عرف و عادت و سنن جوامع مختلف، حقوق انسان‌ها محترم بوده و نمی‌توان به بهانه این که در حقوق بین الملل مستقلاً به آن‌ها اشاره نشده است یا کم شده است، آن‌ها را نادیده گرفت و به حساب نیاورد.

میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نیز کلیه اعضاء خانواده بشری را مبنای عدالت و صلح در جهان از حیثیت یکسانی برخوردار می‌داند؛ و تأکید می‌کند «این حقوق ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است(62)».

اعلامیه تهران:

کنفرانس بین الملل حقوق بشر: که از 22 آوریل تا 13 ماه مه 1968 به منظور بررسی پیشرفت جامعه در طی بیست سالی که از زمان قبول اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گذرد؛ و نیز به منظور تنظیم برنامه‌ای برای آینده، در تهران تشکیل جلسه داده است(63).

در این جلسه اعلامیه در 19 بند تصویب کرده، پایبندی خود را به اعلامیه جهانی حقوق بشر و حمایت از آزادی‌های اساسی برای همه و بدون هیچ گونه تبعیضی اعلام داشته است.

در بند دوم اعلامیه تهران چنین آمده است: «اعلامیه جهانی حقوق بشر تفاهم مشترك همه ملل جهان را درباره حقوق لاینفك و تخلف‌ناپذیر همه اعضای خانواده بشری بیان داشته است و برای اعضای جامعه بین الملل ایجاد تعهد می‌کند(64)».

#### 4-3-8- اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز با تأکید بر همبستگی انسان‌ها با یکدیگر، حقوقی را به عنوان حقوق غیر قابل سلب برای همه انسان‌ها پیش بینی نموده است. که این حقوق صرف نظر از وضعیت تابعیتی فرد برای او متصور است(65). از جمله:

1- حق حیات. (ماده 2)



- 2- حقّ دفاع از آوازه و شهرت خود در زندگی و پس از مرگ. (ماده 2)
  - 3- حقّ تشکیل خانواده. (ماده 5)
  - 4- حقّ داشتن شخصیت حقوقی و یا قیم. (ماده 8)
  - 5- حقّ طلب علم. (ماده 5)
  - 6- حقّ انتقال و انتخاب مکان. (ماده 12)
  - 7- حقّ کار و پیشه. (ماده 13 و 14)
  - 8- حقّ مالکیت. (ماده 15)
  - 9- حقّ بهره‌مندی از دستاوردهای علمی ادبی - تکنولوژی مشروع. (ماده 16)
  - 10- حقّ بهداشت عمومی. (ماده 17)
  - 11- حقّ امنیت فردی و استقلال در امور خانوادگی و خصوصی. (ماده 18)
  - 12- حقّ مساوات در مقابل دادگاه و قانون. (ماده 19)
  - 13- حقّ آزادی بیان در محدوده مقررات شرعی. (ماده 22)
- 5-3-8- کنوانسیون 1951 (66) و پروتکل 1967 (67) مربوط به پناهندگان

توضیحاتی پیرامون کنوانسیون و پروتکل فوق:

الف - «مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ 14 دسامبر 1950، طی قطعنامه شماره (7) 439، بر لزوم روشن شدن وضعیت پناهندگان تکیه کرد. و به دنبال آن، کنفرانس نمایندگان تام الاختیار ملل متحد در مورد وضعیت پناهندگان و افراد بدون تابعیت از 2 تا 25 ژوئیه 1951 در ژنو برگزار گردید. حاصل این کنفرانس، کنوانسیون 1951 ژنو در مورد وضعیت پناهندگان بود که پس از طی مراحل لازم، در 22 آوریل 1954 قوه قانونی یافت. پروتکل 1967 تنها تغییر کوچکی در کنوانسیون ایجاد کرد که بعداً از آن صحبت خواهد شد.

در حال حاضر تعیین وضعیت پناهندگان در سطح جهانی، بر اساس کنوانسیون 1951 و پروتکل 1967 صورت می‌پذیرد و 78 دولت عضو کنوانسیون با پروتکل مذکور و یا هر دو سند هستند. این دو سند قانونی تنها شامل کسانی می‌شود که بر اساس تعاریف موجود در آن، پناهنده شناخته می‌شوند و دولت‌های متعاقد ملزم به رعایت مفاد اسناد مزبور و رسیدگی به تقاضای پناهندگی افراد هستند (68)».

ب - کنوانسیون در يك مقدمه و چهل و شش ماده و يك الحاقیه و يك پروتکل ضمیمه مشتمل بر يك مقدمه و 11 ماده تنظیم شده است.

ج - کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان 1951 پروتکل ضمیمه، پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز چهارشنبه 1354 / 10 / 17، در جلسه روز سه شنبه 1355/3/25 به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسد. این کنوانسیون با توجه به شرایط زیر به تصویب ایران می‌رسد:

1- در تمام مواردی که به موجب این کنوانسیون، پناهندگان مشمول مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع يك دولت خارجی شده باشند، دولت ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که پناهندگان را از مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع دولی که با آنان موافقت‌نامه‌های ناحیه‌ای و اقامت و گمرکی و اقتصادی و سیاسی دارد، بهره‌مند نسازد.

2- دولت ایران مقررات مواد 17 و 23 و 24 و 26 را صرفاً به صورت توصیه تلقی می‌نماید(69).

حقوقی که کنفرانسیون 1951 و پروتکل ضمیمه برای پناهنده تضمین نموده است:

1- عدم تبعیض: «دول متعاهد مقررات این کنوانسیون را بدون تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی درباره پناهندگان اجرا خواهند نمود(70)».

2- دین: «دول متعاهد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود، رفتاری لااقل در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند، اتخاذ خواهند نمود(71)».

3- حقوقی که خارج از حدود این کنوانسیون اعطاء می‌شود: هیچ يك از مقررات کنوانسیون حاضر، به حقوق و مزایایی که خارج از حدود این کنوانسیون به پناهندگان داده شده است، لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت(72).

4- احوال شخصیه: این بحث به طور مفصل در مقاله جداگانه‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت(73).

5- اشتغال با دستمزد: «در مورد حق اشتغال به کار با دریافت دستمزد، هر دولت متعاهد نسبت به پناهندگان که بطور منظم در سرزمین او سکونت کرده‌اند، مطلوب‌ترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می‌دارد، به عمل خواهد آورد(74)».

همچنین کنوانسیون در مورد استخدام پناهندگان در اشتغال به کارهای آزاد و حرفه‌های آزاد علمی آنان، تمهیدات و توصیه‌هایی ابراز داشته است(75).

6- اموال منقول و غیر منقول: «دول متعاهد در مورد تحصیل اموال منقول و غیر منقول و سایر حقوق مربوطه و همچنین در مورد قراردادهای اجاره و یا سایر قراردادهای مربوط به مالکیت اموال منقول و غیر منقول با پناهندگان رفتاری خواهند نمود که تا سر حد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در این موارد نسبت به بیگانگان بطور اعم به عمل می‌آید، نامساعدتر نباشد(76)».

7- مالکیت معنوی و صنعتی: «در مورد حمایت از مالکیت صنعتی به خصوص حمایت از اختراعات طرح‌ها و مدل‌ها علائم تجاری و اسامی تجاری و همچنین حمایت ادبی و هنری و علمی پناهنده در کشوری که معمولاً سکونت دارد، مورد همان حمایتی واقع خواهد شد که از اتباع کشور مزبور به عمل می‌آید(77)» ...

8- حقّ عضویت: «در مورد عضویت در جمعیت‌های غیر سیاسی و غیر انتفاعی و سندیکاهای حرفه‌ای، دول متعاقد نسبت به پناهندگان که طبق قانون در سرزمین آنان سکونت دارند، مساعدترین رفتاری را که در چنین موارد در مورد اتباع دول خارجی به عمل می‌آورند، معمول خواهند داشت(78)».

9- حقّ مراجعه به دادگاه‌ها:

1- «هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاقد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه نماید. 2- هر پناهنده در سرزمین دولت متعاقدی که محل سکونت عادی اوست، در مورد دسترسی به دادگاه‌ها از جمله استفاده از معاضدت قضایی و معافیت از سپردن مخارج و هزینه‌های دادرسی از همان رفتاری که درباره اتباع دولت مزبور به عمل می‌آید، بهره‌مند خواهد شد. 3- هر پناهنده در سرزمین‌های دول متعاقد دیگر از سرزمین محل سکونت دایمی خود در مورد مسایل مندرج در بند 2 از رفتاری برخوردار خواهد شد که درباره اتباع کشور محل سکونت دایمی وی به عمل می‌آید(79)».

10- رفاه و آسایش: کنوانسیون در مواد متعدد نسبت به رفاه و آسایش پناهنده و مقررات مربوط به آن توجه داشته است. فصل چهارم کنوانسیون در مواد 20 و 21 و 23 به ترتیب: بهره‌مندی از سیستم جیره‌بندی در صورت وجود آن در کشور پذیرنده؛ مساعدت در امر مسکن پناهنده، تعلیمات عمومی پناهنده، برخورداری از کمک‌های خیریه و تعاون عمومی را مد نظر داشته است.

در ماده 24، کنوانسیون به مسایل مربوط به کار و بیمه اجتماعی پناهنده توجه کافی نموده است. بر این اساس این ماده: «دول متعاقد در موارد زیر نسبت به پناهندگان که مطابق قانون در سرزمین آن‌ها به سر می‌برند، مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد:»

الف - حقوق (من جمله معاش خانواده در مواردی که معاش مزبور جزء حقوق است). ساعات کار، ساعات اضافه‌کار، مرخصی یا حقوق، محدودیت‌های مربوط به کار کردن در منزل، حداقل سن برای استخدام، یادگیری و تعلیمات حرفه‌ای، اشتغال به کار با نوجوانان و استفاده از مزایای کنوانسیون‌های جمعی تا حدودی که موارد مذکور تابع قوانین یا مقررات بوده، و منوط به نظر مقامات اداری می‌باشد.

ب - بیمه اجتماعی: کنوانسیون، مقررات مربوط به بیمه‌های اجتماعی را از قبیل بیمه حوادث، از کارافتادگی، پیری، مرگ، بی‌کاری و... با رعایت محدودیت‌هایی مشمول قوانین داخلی بیمه‌های اجتماعی دانسته است(80).

11- بهره‌مندی از مساعدت اداری: «هنگامی که اعمال حقّی از طرف پناهنده، مستلزم مساعدت مقامات يك دولت خارجی است که پناهنده نمی‌تواند به آن‌ها رجوع نماید، دول متعاقدی که پناهنده در سرزمین آن‌ها سکونت دارد ترتیبی خواهند داد که مقامات مربوطه آن‌ها با مقامات بین‌المللی به پناهنده مزبور مساعدت لازم را بنمایند(81)».

12- آزادی رفت و آمد: «هر يك از دول متعاقد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آن‌ها بسر می‌برند، حقّ خواهند داد که محل سکونت خود را انتخاب نمایند و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند. مشروط به رعایت مقرراتی که عموماً در این گونه موارد درباره خارجی‌ان اجراء می‌شود(82)».

13- آزادی مسافرت: بر اساس ماده 27 و 28 کنوانسیون، دولت‌های متعاقد با صدور اوراق هویت و اسناد معتبر مسافرت، امکان مسافرت و جابجایی پناهندگان در سرزمین خود را فراهم می‌کنند؛ «مگر آن که دلایل آمرانه مربوط به امنیت ملی و نظم عمومی مغایر با این امر باشد» (83).

14- انتقالی دارایی: 1- هر يك از دول متعاقد طبق قوانین و مقررات خود اجازه خواهند داد که پناهندگان دارایی خود را که وارد سرزمین آن دولت نموده‌اند، به سرزمین دولت دیگری که به آن‌ها اجازه استقرار مجدد داده است انتقال دهند. 2- «هر يك از دول متعاقد تقاضای پناهندگان را دایر بر موافقت با انتقال هر گونه دارایی دیگر که برای استقرار آنان در کشور دیگری که با استقرار مجدد آنان موافقت کرده است لازم باشد، با نظر مساعدت مورد توجه خواهند داد» (84).

15- کسب تابعیت: دول متعاقد تا آن جا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان، تسهیلاتی فراهم خواهند آورد. و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه و مخارج این امر بکاهد» (85).

#### 8-4- نتیجه‌گیری و تطبیق:

از مجموع آنچه گذشت نتایج ذیل حاصل می‌شود:

1- حقوق عمده و حداقل استاندارد رفتار ذکر شده در منابع بین‌المللی، در منابع اسلامی نیز برای پناهندگان ملحوظ شده است.

2- بعضی از موارد جزئی پیش‌بینی شده در کنوانسیون 1951، به این صورت جزئی در منابع شیعی لحاظ نشده است؛ لیکن از آنجا که اغلب این حقوق، منافاتی با شرع و نظم عمومی مطلوب اسلام ندارد. می‌تواند در شرایط عقد امان ذکر شود.

3- در شرایط فعلی حقوق بین‌المللی، ملحق شدن کشور اسلامی به این گونه کنوانسیون‌ها به مقتضای ادله عامه وفای به عقد، پذیرش شرایط مذکور در ضمن پذیرش پناهندگی است.

پی‌نوشت:

(1) المتسأمن بکسر المیم، هو المطالب للأمان استأمنه: طلب منه الأمان. مصباح المنیر ج 1، ص 34؛ المنجد، ص 16.

(2) شیخ طوسی (قد)، المبسوط، ج 2، ص 42.

(3) این کنوانسیون و پروتکل ضمیمه آن، جامعترین سند بین‌المللی است که در ارتباط با پناهندگان تصویب شده است. «گرچه دولت‌هایی که عضو این کنوانسیون نیستند و حتی دولت‌های عضو، غالباً در این زمینه بر اساس منافع و سیاست ملی خویش عمل می‌کنند و تفسیرهای گوناگون و باب طبع خود از آن ارائه می‌دهند، با وجود این باید پذیرفت که این تعبیرهای مختلف نیز، در کیفیت اعطای پناهندگی توسط دولت‌ها مؤثر است نه در اصل تعریف.» بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسأله پناهندگی، حمید نظری حاج آبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص 33.

(4) در ماده يك همین کنوانسیون، موارد متعدد دیگری نیز به عنوان مصداق پناهنده ذکر شده است که برای خودداری از تطویل، از ذکر آن خودداری کردیم. ولی به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده به نحوی تمامی آن مصداقیق را نیز در بر می‌گیرد.

(5) ممکن است پناهنده به دارالاسلام نیز چنین حالتی داشته باشد، یعنی از ادامه سکونت در محل سکونت عادی خود ترس و نگرانی داشته باشد؛ بنابراین مفهوم پناهنده در فقه و حقوق بین الملل، نسبت عموم و خصوص من وجه است.

(6) اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهنش ده، تا این که سخن خدا را بشنود. سپس او را به جای امن خودش برسان. سوره توبه [9] آیه 6.

(7) ابن براج مذهب، ج 9، ینابیع الفقهیه، ص 87؛ و جواهر الکلام، ج 21، ص 92 و... در باب 20 از ابواب جهاد العدو، و سایل الشیعه، احادیثی در ارتباط با جواز و مشروعیت اعطاء پناهندگی آورده شده است.

«(8) ظهور الامر بعد الحظر او توهمه... اختلاف الاصولیون فی مثل هذا الامر انه هل هو ظاهر فی الوجوب او ظاهر فی الاباحه، او الترخیص فقط ای رفع المنع فقط من دون التعرض لثبوت حکم آخر... و اصح الاقوال دلالتها علی الترخیص فقط. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج 1 ص 67.

(9) علامه حلی، مبادئ الاصول الی علم الاصول، ص 98.

«الامر الوارد بعد الحظر كالامر المتبدأ عندالمحققین» شاگرد معروف علامه در حاشیه‌ای که بر همین کتاب تحت عنوان «غایةالبادی ص 69-70 تألیف کرده است. دلیل این نظر را این می‌داند: که مقتضای امر که وجوب است بدون معارض باقی است و نهی قبل از امر نمی‌تواند مانع از تحقق وجوب شود همانند امری که به حائض و نفساء برای نماز و روزه داده می‌شود که این امر دلالت بر وجوب دارد.»

... (10) فأجره حتی یسمع کلام الله، توبه [9] آیه 6.

(11) المذهب، للقاضی عبدالعزیز البراج، (400 - 481 ه.ق) ص 78-77، ینابیع الفقهیه، ج 9.

(12) شیخ طوسی، المبسوط، ج 2، ص 51 - 37.

(13) علامه حلی، (ه.ق 647 - 726)، قواعد الاحکام، ص 255 به بعد، ینابیع الفقهیه، ج 9.

(14) شیخ محمد حسن، نجفی، جواهر الکلام، ج 21، ص 94 - 92.

(15) تمام منابع فقهی ذکر شده در صفحه قبل، برای حاکم این حق و اختیار را قایل شده‌اند که وی می‌تواند ضمن انعقاد عقد، شرایطی را ذکر کند. البته در صورتی که عقد، بدون هیچ گونه قید و شرطی منعقد شود باز هم شرایط و تکالیفی متوجه طرفین است که در بحث حقوق و تکالیف به آن‌ها اشاره خواهد شد.

(16) قال قلت لابي عبدالله (ع): ما معنى قول النبي(ص) يسعى بذمتهم ادناهم قال: لوان جيشا من المسلمين حاصروا قوما من المشركين فأشرف رجل فقال: اعطوني حتى القى صاحبكم و أناظره، فاعطاه ادناهم الامان وجب على افضلهم الوفاء به، وسایل الشيعه، باب 20 از ابواب جهادالعدو.

مسعدة بن صدقة، عن ابي عبدالله(ع): أن عليا اجاز أمان عبد مملوك لأهل حصن من الحصون و قال هو من المؤمنين. همان.

(17) ابن براج، مهذب، باب الامان و احكام، ج 9، ينابيع الفقيهه، ص 87.

(18) به كتاب الجهاد تذكرة الفقهاء، جواهر الكلام، و قواعد الاحكام مراجعه شود.

(19) دكتور عبدالكريم زيدان، احكام الذميين و المستأمنين في دارالاسلام، ص 4 - 40.

(20) همان، ص 43.

(21) شيخ طوسي، مبسوط، ص 51 - 37.

(22) همان، ص 50.

(23) ابن براج، مهذب، ج 9، ينابيع الفقيهه، ص 87؛ شرايع الاسلام، محقق حلي، كتاب الجهاد، ج 1، ينابيع الفقيهه، ص 255؛ جواهر الكلام، ج 21 ص 92 به بعد.

(24) البته بايد در نظر داشت اين مطلب صرفا جنبه تئوريك دارد و در عمل، كشورها بر اساس سياست‌هاي خاص خود عمل کرده. و خود را مكلف به پذيرش پناهندگي نمی‌بيند.

(25) نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، شماره 27، بهمن، 1370 اعلامیه‌های ضمیمه.

(26) به عنوان نمونه استتکاف کشور ترکیه از پذیرش پناهندگان عراقی؛ استتکاف کشور ایتالیا از پذیرش پناهندگان آلبانیایی در سال‌های اخیر را می‌توان ذکر کرد.

(27) حقوق بین الملل خصوصی، نصیری، ص 82.

(28) محمد حسن نجفی، الجواهر، ج 21، ص.

(29) البته فقها در این مورد تصریح دارند که این شرایط ضمن عقد، نمی‌تواند مخالف کتاب و سنت باشد و در صورت مخالفت، عقد صحیح ولی شرط فاسد است. در این مورد به کتاب الجهاد جواهر، ج 21، ص 300 به بعد و تذکرة علامه مراجعه می‌شود.

(30) قانون کار و تأمین اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران.

(31) برای تفصیل بیشتر این بحث به کتاب تأمین اجتماعی، دکتر مهدی طالب مراجعه شود.

(32) National Minimum

(33) مهدی طالب، تأمین اجتماعی، فصول دوم، سوم، چهارم و ششم مراجعه شود.

(34) وسایل الشیعه، ج 6، باب 1 من ابواب مستحقین الزکاة، ص 143، حدیث 1.

امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه «انما الصدقات للفقراء و المساکین» می‌فرماید: زکات به تمام کسانی که حاکمیت امام را پذیرفته‌اند پرداخت می‌شود.

مؤلف کتاب ارزشمند ولایت الفقیه نیز با استفاده از همین روایت صحیح بر حسب تشریح اولی، زکات را تحت تصرف امام و برای تأمین اجتماعی افراد تحت لوای حکومت اسلامی می‌داند. منتظری، حسین علی، ولایت الفقیه، ج 1، ص 99.

(35) و الارض وضعها للأنام، الرحمن (55)، 10.

... (36) فقال (ع): ان الامام يعطى هؤلاء جميعا لانهم يقرّون له بالطاعة.

(37) وسائل، ح 11، ص 49، باب 19 از ابواب جهاد العدوّ و (باب ان نفقه النصرانی اذا کبر و عجز عن الکسب من بیت المال)

مرّ شیخ مکفوف کبیر یسأل، فقال امیر المؤمنین (ع) ما هذا؟ قال یا امیر المؤمنین نصرانی. فقال امیر المؤمنین (ع): استعملتموه حتی اذا کبر و عجز منعتموه؟ انفقوا علیه من بیت المال.

(38) کتاب الزکاة، جواهر الکلام، مفتاح الکرامه.

(39) ولایت الفقیه، ج 2، ص 723.

(40) بررسی کتب تاریخی از قبیل: کامل ابن اثیر، تاریخ طبری و سیره ابن هشام بخوبی نمایانگر این مدّعا است.

(41) فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه 27، ص 95، عبده 120، نهج البلاغه، ج 1، ص 76.

(42) بحار الانوار، ج 41، ص 56، تاریخ امیر المؤمنین، باب 105.

(43) برای نمونه مراجعه شود به کتاب شریف وسایل الشیعه باب 3 از ابواب دیات النفس حدیث 8.

(44) برای تحقیق و مطالعه بیشتر در این زمینه مراجع شود به کتاب وسائل الشیعه، ج 18، باب 8، من ابواب حد الزنا؛ و همان جلد، باب 17، ابواب کیفیة الحكم.

(45) منتظری، حسین علی، ولایت الفقیه، ج 2، ص 723 به بعد.

(46) پیشه و حرفه آزاد برای اقلیت‌های مذهبی متعهد شامل مشاغل تولیدی و صنعتی و همچنین مشاغل از قبیل طبابت و تعلیم و نظائر آن نیز می‌گردد... این نکته را نیز باید یادآور شد که جزئیات و موارد این حق با تصریحاتی که ممکن است و در متن قرار داد مورد توافق قرار گیرد قابل تغییر و تبدیل می‌باشد. عمید زنجانی، حقوق اقلیت‌ها، ص 203.

(47) احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج 1، ص 333/ از الوثائق السیاسیة، ص 115 و زادالمعاد و ... نقل و شرح نموده است.

(48) گرچه به نظر می‌رسد استناد به این نامه برای اثبات مدعای فوق چندان محکم نباشد؛ لیکن سیره حکومت‌های اسلامی، می‌تواند دلیل محکمی بر پذیرش این حق باشد.

(49) مذهب در این جا به هر دو معنای آن یعنی Religion به معنای دین و فرقه مذهبی Sect مورد نظر است.

(50) و ان احدٌ من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله. اگر یکی از مشرکین از تو تقاضای پناهندگی کرد به او پناهندگی بده تا سخن خدا را بشنود.

(51) مکاتیب الرسول، ج 1، ص 333.

(52) ر.ک: وسایل الشیعه، باب 21، از ابواب عقد السبیع و شروطه، باب اشتراط اختصاص البائع بملك المبیع؛ و باب 71 از ابواب جهادالعدو، باب حکم الشراء من ارض الخراج و الجزیه.

(53) مبسوط، ج 2، ص 48، عمید زنجانی، حقوق اقلیت‌ها، ص 175.

(54) Minimum standard

A modern interoduction to international law.88

(55) Werdross

(56) نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، ص 80.

(57) این اعلامیه در سال 1948 پس از تصویب در کمیسیون حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. متین دفتری، احمد، حقوق بشر و حمایت بین المللی آن.

(58) مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، به نقل از نشریه شماره 27، بهمن 1370، دانشکده حقوق دانشگاه تهران ترجمه فارسی.

(59) The covenant on Civil and Political rigts.

(60) The covenant on Economic, social and cultural Rigts.

(61) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دو میثاق فوق را در 16 دسامبر 1966، به اضافه پروتکل اختیاری که ضمیمه میثاق حقوق مدنی سیاسی می‌باشد تصویب و برای امضاء به کشورهای عضو پیشنهاد نمود. طباطبایی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص 233.

(62) متین دفتری، مقدمه میثاق / حقوق بشر و حمایت بین المللی، ص 358.

(63) همان، ص 371.

(64) همان ص 372.

(65) ترجمه فارسی اعلامیه اسلامی حقوق بشر.



نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، 1370، شماره 27.

(66) Convention relating to the status of refugees done at Geneva on 28 July 1951.

(67) Protocol relating to the status of refugees of 31 January 1967

(68) نظری تاج آبادی، حمید، بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی، مسأله پناهندگی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص 32.

(69) مجموعه قوانین مجلس شورای ملی.

(70) Article 3 Non - discrimination.

(71) Article 4 Religion.

(72) Article 5 Rights granted apart from this convention.

(73) Article 12 personal status.

(74) Article 17 wage earning employment.

(75) Article 18 self employment.

(76) Article 13 movable and immovable property.

(77) Article 14 Artistic rights and industrial property.

(78) Article 15 Right of association.

(79) Article 16 Access of courts.

(80) Article 24 labour legislation and social security.

(81) Article 25 Administrative assistance.

(82) Article 26 freedom of movement.

(83) Article 28 travel documents.

(84) Article 30 Transfer of assets.

(85) Article 34 Naturalization.